

«زنوزق» ویتربن گمنام ماسوله و ابیانه + عکس

روستاهای ماسوله، ابیانه و پالنگان از زیباترین روستاهای ایران هستند؛ روستاهایی که نام و آوازه آنها به تمام جهان رسیده است و در این میان روستای «زنوزق» را باید ویتربن این روستاها نامید.



روستاهای ماسوله، ابیانه و پالنگان از زیباترین روستاهای ایران هستند؛ روستاهایی که نام و آوازه آنها به تمام جهان رسیده است و در این میان روستای «زنوزق» را باید ویتربن این روستاها نامید.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، ««زنوزق» با وجود اینکه تمام ویژگی‌های روستاهای ماسوله، ابیانه و پالنگان را یکجا در اختیار دارد هنوز ناشناخته و گمنام است؛ روستایی پلکانی مانند ماسوله، سنتی، مهربان و غرق در رنگ مانند ابیانه و محصور در بین کوه‌های بلند مانند پالنگان. ««زنوزق» تاریخی‌ترین روستای پلکانی ایران است که در مجاورت شهر ««زنوز» قرار دارد. روستایی با چهار هزار نفر جمعیت، با اینکه روستای ««زنوزق» به گواه کارشناسان دولتی و خصوصی از بالاترین ظرفیت بالقوه در مباحث گردشگری برخوردار است؛ اما گمنامی این روستا به واسطه عدم معرفی مناسب از سوی کارشناسان باعث شده است فعالیت‌های متمرکز برای ارتقای وضعیت این روستا در مباحث گردشگری بسیار کم‌رنگ و کم‌اثر باشد به طوری که این روستا علاوه بر میزبانی گردشگری نامتمرکز حتی به جز موارد نادر مورد بازدید جدی مسئولان قرار نگرفته است. معماری ویژه قیزیل کری (پل طلایی) و بافت‌های دیگر تاریخی این شهر و روستا جزو منحصر به فردترین بافت‌های موجود در روستاهای کشور است. ««زنوزق» در کنار شهر زنوز در 30 کیلومتری شمال غرب مرند واقع است؛ خیابان اصلی ««زنوز» به سمت شرق که طی شود دورنمای یکی از زیباترین روستاهای ایران با حفظ تمام سنت‌ها و آیین‌های خود متجلی می‌شود. روستایی پلکانی که در تمام حیاط و پشت‌بام‌های آن طبق‌های برکه زردآلو دیده می‌شود. روستایی که به درختان عظیم سپیدار ختم شده و به وسیله همین پوشش سبز و بلند از دیگر جاذبه‌های منحصر به فرد منطقه جدا شده است. صنعت نخست مردم این روستا مانند روستاهای زمهریر و برق تولیدات محصولات سردرختی مانند سیب، زردآلو و گردو است. رمه‌های گوسفند نیز در گوشه و کنار دشت‌های اطراف روستا دیده می‌شوند که برای مردم این روستا به منزله ثروتی عظیم است. از نخستین کوجه سربالایی روستا به داخل می‌رویم. کوجه‌ها و خانه‌های این روستا به طرز عجیبی هویت تاریخی خود را حفظ کرده‌اند؛ شاید اگر هر گردشگری تنها چند قدم در این کوجه‌ها بردارد و چهره سوخته زنان و کودکان را کنار دیوارهای کاهگلی ببیند زمان و تاریخ را فراموش کند. آبی، سبز، نارنجی و گاه قرمز عمده‌ترین رنگهایی است که در لباس زنان این روستا به چشم می‌خورد. زنانی سختکوش و خندان. کمتر چهره‌ای در این روستا را بدون خنده می‌توان دید. با اینکه از لحاظ اقتصادی مردمان مرفهی نیستند، اما طبیعت و زلالی آن، چنان صفایی به مردمان روستا داده است که در قرن 21 کمی غیرعادی به نظر می‌رسد. پایین دره‌ای که در شمال غربی روستا قرار دارد روستای دیگری دیده می‌شود. روستایی مملو از درختان گردو، سیب، زردآلو و چشمه‌هایی که صدایشان در تمام منطقه پیچیده است. یکی از شاخصه‌های این مکان روستاهای به هم چسبیده‌ای است که همانند نگینی دورتادور ««زنوزق» را فرا گرفته‌اند. به آخرین حیاط روستا در بلندترین نقطه که برسید، چشم‌اندازی بسیار رویایی دارد. با این‌که توپوگرافی منطقه کوهستانی است، اما تا چشم کار می‌کند افق پیداست. افقی بالاتر از تمام کوه‌ها و تپه‌های اطراف شهر ««زنوز». هر چهار سوی نگاهمان بی‌انتهاست. تنها سوی چشمان است که این انتها را مشخص می‌کند؛ شاخصه‌ای که در هیچ کدام از روستاهای ایران وجود ندارد. ««زنوزق» بی‌شک یکی از منحصر به فردترین روستاهای تاریخی و طبیعی ایران است. در این روستا خانه‌هایی دیده می‌شوند که مربوط به دوره‌های صفوی است. گورستان این روستا نیز حکایت‌های زیادی دارد؛ سنگ نوشته‌هایی در این گورستان وجود دارد که با استناد به خورشیدهای حک شده‌اش می‌توان آن‌ها را به دوره‌های میترائیسم نسبت داد. ««زنوزق» روستایی است که مجموعه عوامل طبیعی و تاریخی آن می‌تواند آن را به یکی از ممتازترین روستاها در مباحث فرهنگی و گردشگری تبدیل کند؛ امری که تا به حال محقق نشده است اما آنچه مشهود است مجموعه جاذبه‌های طبیعی و تاریخی که در این روستا و مناطق اطراف آن وجود دارد یکی از نادرترین ظرفیت‌های گردشگری ایران است. از سیب، زردآلو و عسل که هر کدام به عنوان یک شاخصه برای این روستا محسوب می‌شود که بگذریم، کوه‌ها و تفرجگاه‌های مستعد فراوانی در حاشیه این روستا وجود دارد که هر کدام به تنهایی در ایام مختلفی از سال پذیرای گردشگران خارجی و داخلی است. کوه‌های سلدرم، سد زنوز و توپوگرافی اطرافش، باغ زیبای امینی، چشمه‌های آب معدنی فراوان و دشت‌هایی در ارتفاع 2 هزار متری از سطح دریا که اردیبهشت آنها همانند تکه‌ای جدا شده از بهشت است. با اینکه بسیاری از کارشناسان معتقدند؛ ثبت این روستا در فهرست یونسکو سال‌هاست به تاخیر افتاده است اما شاید این تأخیر به سود ««زنوزق» تمام شده باشد. در حال حاضر کمتر روستایی در ایران وجود دارد که تمام بافت‌ها، سنت‌ها و پوشش‌های قدیمی خود را حفظ کرده باشد. به باور برخی کارشناسان، روستای ««زنوزق» متعلق به دوره ایلخانان است اما به نظر می‌رسد تاریخ روستا به دوران پیش‌تر از آن می‌رسد و ابراز کنندگان نظریه مزبور به برخی از سنگ قبور موجود در قبرستان این روستا توجه کرده و از بررسی بیشتر کوتاهی کرده‌اند. بنابر برخی از نظرات در خصوص نام روستا که به نظر صحیح می‌رسد، به دلیل قرارگیری در ارتفاعات شهر ««زنوز»، ابتدا نام آن ««زنوز داغ» بوده که به علت تکثر استفاده در ترکی آذربایجانی به ««زنون زاغ» تبدیل شده و در زبان فارسی به ««زنوزق» اشتباه یافته است. قلعه ««زنوزق» در ارتفاع و روستا در شیب تند قرار دارد و مامن مناسبی برای روستاییان در مقابل حمله دشمنان بوده است. به اظهار برخی از روستاییان این قلعه به صورت دژی مستحکم ساخته شده بود؛ قلعه دارای چشمه آب در ناحیه غربی صخره‌های دست نیافتنی است، در نواحی آن سنگ‌های سه گوش مثلی و به صورت تودرتو وجود داشته تا دستیابی به آن غیرممکن و دفاع از آن آسان‌تر شود. *روستای

اشتینآبادی معروف به اشتین مرکز دهستان دیزمار شرقی از بخش ورزقان و شهرستان اهر در کنار رود ارس و نوار مرزی ایران و شوروی قرار گرفته است. شمال آن رود مرزی ارس، جنوبش ورزقان، شرق آن جنگل‌های حسن‌آباد و غربش دهستان دیزمار غربی است. رود ارس از فاصله 14 کیلومتری شمال این آبادی می‌گذرد؛ فاصله اشتین تا بخش ورزقان 50 کیلومتر و تا اهر 225 کیلومتر است. ***سابقه تاریخی** اشتین دارای سابقه تاریخی کهنی است. وجود گویش تاتی در روستاهای اقمار این آبادی (کربنگان و مردانقم) حاکی از پیشینه درخشان تاریخی آن است. اشتین از اجتماع سه روستا به اسامی هراز (هراس) سیاوشان و جعفرآباد به وجود آمده است. شاید اطلاق نام اشتین (اوج تبین) به این منطقه به همین مناسبت باشد؛ «اوج» در ترکی به معنای «سه» است. ***موقعیت طبیعی** اشتین در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است که رودخانه ارس از شمال و رودخانه هراس از شرق آن می‌گذرد. روستای هراس در داخل دره‌ای در میان دو کوه بسیار مرتفع روی سکوی عظیمی به طور مطبق قرار گرفته و شباهت زیادی به شهر ماکو دارد. مهم‌ترین کوه‌های منطقه اشتین عبارتند از کیامکی- دوشته‌شا و قازان داغی؛ اکثر ارتفاعات و اراضی اشتین را مراتع و جنگل‌ها فرا گرفته است. آب و هوای اشتین تابع آب و هوای منطقه ارسباران است. در مناطق جنوبی کوهستانی هوا سرد و در حوالی دره ارس گرم و معتدل و مطبوع بوده؛ زمستان‌های اشتین در مناطق کوهستانی بسیار سرد و برف‌گیر است. ***آثار تاریخی** در گوشه و کنار اشتین آثار تاریخی چندی به چشم می‌خورد. در حال حاضر چند کتیبه به خط ثلث مربوط به زمان شاه طهماسب و شاه عباس صفوی در این آبادی وجود دارد و نیز گورستان قدیمی آن، کتیبه‌ای مرمرین مربوط به آرامگاه شخصی به نام خواجه ملک کدخدا (به تاریخ 843 هجری قمری) و کتیبه‌ای دیگر مربوط به خواجه احمد (به تاریخ 976 هجری قمری) به چشم می‌خورد. در طراحی خانه‌های این روستای تاریخی به دلیل اینکه در شب تند کوه واقع شده هوشمندی زیادی به کار رفته است؛ خانه‌های قدیمی این روستا به شیوه معماری دوره صفویه و قاجاریه ساخته شده‌اند. معماری این روستا به نوبه خود منحصر به فرد است؛ به این صورت که در این روستا حیاط هر خانه‌ای پشت بام خانه دیگری بوده و منظره بسیار بدیعی را به وجود آورده است. ابوالقاسم نباتی عارف و شاعر معروف آذربایجان در اشتین به دنیا آمده و در این روستا نیز به خاک سپرده شده است. روستای اشتین در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است و یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری منطقه به شمار می‌رود؛ به طوری که دورنمای طبیعی آن چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. تولید ابریشم نیز در اشتین دارای سابقه طولانی است و کارگاه‌های تولید ابریشم زیادی در این منطقه وجود دارد؛ میوه‌ها و محصولات حالبز این منطقه هم دارای مرغوبیت خاصی است. ***روستای سپس** **شیستر** روستای سپس در 14 کیلومتری شبستر واقع شده و از آثار دیدنی متعددی برخوردار است از جمله سنگ قیزیل داشن به رنگ سرخی مایل به صورتی و به شکل صندوق بوده که دور تا دور آن عباراتی به خط کوفی نقش بسته است. همچنین مزار پیر رحب و شیخ اسماعیل از عرفای بزرگ قرن هفت و هشت هجری قمری که در نزدیکی آن مجسمه قوچ سنگی بزرگی قرار گرفته است از اماکن مقدس اهالی محسوب می‌شود. مسجد محمد حنیفه که بنای اولیه آن منسوب به صفویه است و در کنار آن مقبره باله حسن از مریدان شیخ شهاب الدین اهری قرار دارد از دیگر آثار سپس به شمار می‌آید. ***روستای قدمگاه** روستای قدمگاه یا بادمیار در جنوب آذرشهر از روستاهایی است که دارای یک گورستان تاریخی است علاوه بر آن در نزدیکی این روستا غار بزرگی وجود دارد که به نام معبد یا مسجد غار معروف است. بعضی از باستان‌شناسان قدمت این غار را به دوران پیش از تاریخ نسبت می‌دهند و بر این عقیده‌اند که ابتدا به عنوان معبد استفاده می‌شده و به تدریج در قرون ششم، هفتم و هشتم به بعد محل تکیه دراویش و عرفا بوده و سپس به مسجد تبدیل شده است. این معبد به شکل گنبدی استوانه‌ای به ارتفاع 12 متر با قاعده‌ای به شعاع هفت متر است که در نوک گنبد منفذی برای تهویه و روشنایی تعبیه شده است؛ در حال حاضر نیز مردم برای انجام برخی مراسم‌های مذهبی از این مسجد استفاده می‌کنند..... گزارش از مریم عباسی